کنفرانس:

وضع موجود در کشور و راه های حل آن



پروفیسور دکتور لعل زاد

میزبان: بنیاد مولانا

لندن، دانشگاه سواس

۸ جولای ۲۰۱۷



SOAS
University of London

فهرست

SOAS
University of London

پیشگفتار

SOAS
University of London

پیش از نیمه دوم سده ۱۹

«تاریخ حاکمیت خانواده ها، قبایل و اقوام»

==============================

*** قلمرو های که توسط «سرحد» یا مناطق «بی صاحب» (کوهها، دشت ها، دریا ها، جنگل ها و...) از هم جدا می شدند؛**

* «مردم **جزیه دهنده**»، گرفتن نام حاکم در **«خطبه»** و چلش **«سکه»** آنها (اگر می داشتند)،

*** سرحد های بدون کنترول (رفت و آمد آزاد یا عدم نیاز به پاسپورت و ویزه)،**

*** مناطق غیر مسکونی و غیر مزروعی اکثرا «بی صاحب» بوده اند،**

*** منابع زیر زمینی و ارزش آن آشکار نیست؛**

پس از نیمه دوم قرن ۱۹

ایجاد کشور ها و «تاریخ کشور ها»

=======================

* «سرزمین» های دارای:

* نام معین،

* مرز های معین (خط کشی بر روی نقشه یا زمین)،

* استقلال (نیاز به پاسپورت و ویزه)؛

* مناطق غیر مسکونی و غیر مزروعی ملکیت کشور - دولت می شود،

* منابع زیر زمینی و ارزش آن آشکار می شود؛

ایجاد «کشوری به نام افغانستان»:

==============================

* «مرز های» آن عمدتا در زمان امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰ - ۱۹۰۱) تعین شده است؛

* این مرز ها توسط «انگلیس ها و روس ها» تعین شده و مردم ما نقشی در آن نداشته اند (کشور مصنوعی)؛

* «استقلال» آن در زمان امیر امان الله خان (۱۹۱۹ - ۱۹۲۱) حاصل شده است؛

* پیش از عبدالرحمن خان، کشوری به این نام در تاریخ و به این شکل در جغرافیای جهان وجود ندارد...



1855 م



1828 م



1815 م

پیش از ایجاد کشوری بنام افغانستان (تاریخ حاکمیت خانواده ها یا قبایل مختلف):
==

* یکتعداد شهر های کنونی ما مرکز حاکمیت خانواده ها یا قبایل مختلف «نامدار» و «بی نام» بوده است؛ مانند کوشانیان، یفتلیان، طاهریان، صفاریان، غزنویان، غوریان، تیموریان، ابدالیان وغیره؛

* این محدوده یا بخش های از آن، زمان های در زیر حاکمیت خانواده ها یا قبایلی بوده که مرکز شان در بیرون از محدوده امروزی بوده است؛ مانند هخامنشیان، اشکانیان، پارتیان، ساسانیان، عباسیان، سامانیان، مغولان، صفویان، غلزاییان وغیره؛

* نام «افغانستان» بار اول حدود ۷۰۰ سال پیش در تاریخنامه هرات به محدوده کوچکی در اطراف کوههای سلیمان (در پاکستان امروزی) اطلاق شده؛ «ولایتی» از توابع هرات که مرکز آن مستونگ (شهری در جنوب کویته امروزی) است...

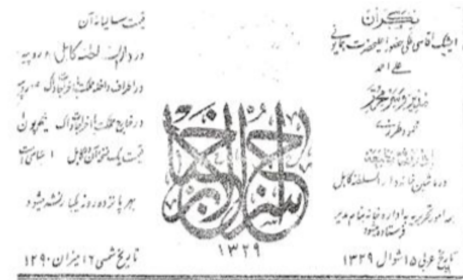


نگاهی گذرا به وضع گذشته کشور (۱۸۸۰ - ۲۰۰۰)

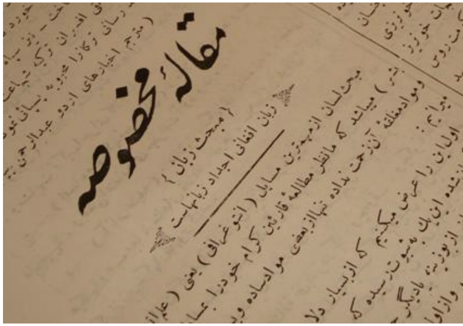
(پیشینه مرض)

SOAS
University of London

مرض «برتری خواهی قومی - زبانی»









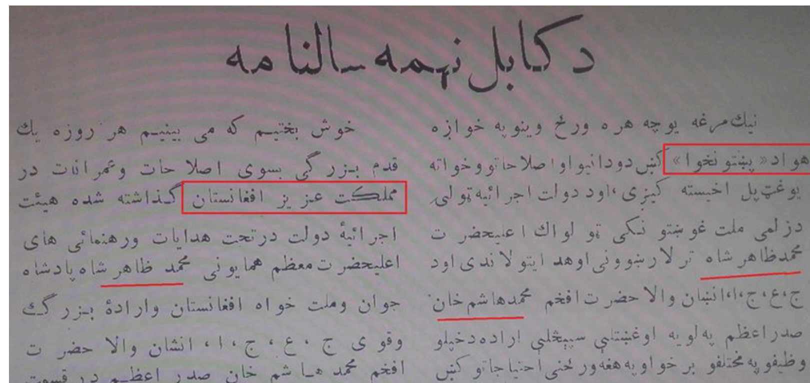
* در زمان امیر عبدالرحمن (۱۸۸۰-۱۹۰۱) چیزی بنام ادارات دولتی، تقسیمات ملکی و یا معارف و مطبوعات وجود ندارد؛ اما او به کمک پولی و تسلیحاتی انگلیس با شمشیر حکومت نموده و یک «حاکمیت مرکزی» را بوجود می آورد؛

* برای اولین بار در زمان امیرحبیب الله (۱۹۰۱-۱۹۱۹) است که معارف (حبیبیه) و مطبوعات (سراج الاخبار) ایجاد میشود. محمود طرزی اولین شخصیتی در دربار امیر حبیب الله است که نقش اساسی در روشنگری اذهان، ایجاد مفاهیم دولت- ملت «افغانی» داشته و اندیشه «**زبان افغانی اجداد زبانهاست**» را ایجاد می کند (**ظهور اولین ویروس مرض در کشور!**)؛

* در زمان امان الله (۱۹۱۹-۱۹۲۹) است که ادارات دولتی، تقسیمات ملکی، معارف، مطبوعات، قانون اساسی، محو بردگی و آزادی زنان بوجود آمده و گام های عملی در جهت اسکان «**ناقلین بسمت قطغن**» و افغانی سازی زبان برداشته می شود؛

* پس از به قدرت رسیدن نادرشاه (۱۹۲۹-۱۹۳۳) و سرکوب «اشرار شمالی»؛ برای اولین بار پروسه «**تاریخ سازی و افغان سازی**» در مقاله «**افغانستان و نگاهی بتاریخ آن**» از طرف انجمن ادبی کابل (مجله کابل و سالنامه کابل) آغاز می گردد؛

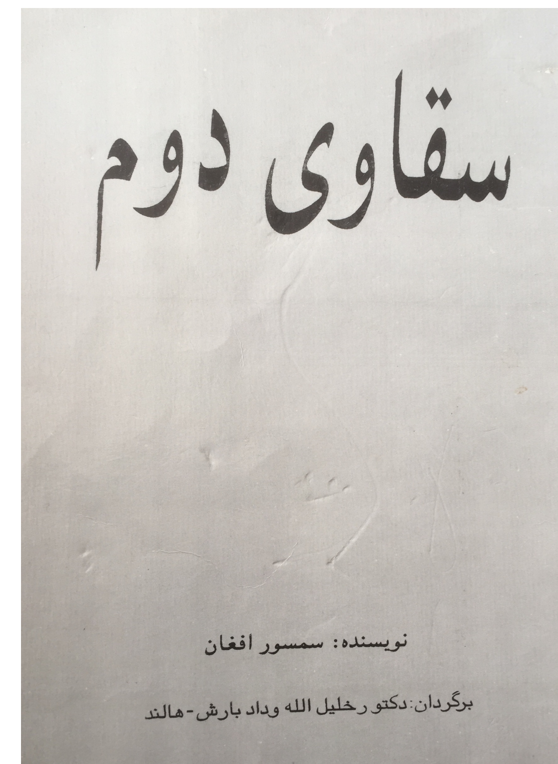
* با رویکار آمدن ظاهرشاه (۱۹۳۳-۱۹۷۳) پروسه **تاریخ سازی، افغان سازی، پشتو سازی و اسطوره سازی** برای یک قوم (توسط غبار، کهزاد، حبیبی و...) و محو آثار و نماد های سایر اقوام از طریق ادارات دولتی گسترش می یابد که در راس آنها سردار هاشم، سردار نعیم و محمد گل مهمند قرار دارد (**تشدید مرض!**)


د کابل نهمه سالنامه

صفحهٔ (۳۹) سال اول ـ مجلهٔ کابل شمارهٔ (۲)

بقلم میرغلام محمد (افغانستان ونگاهی بتاریخ آن)

خطاب حبیبی به ظاهر شاه جوان در سال ۱۳۱۷ در مورد شیوه «دولت- ملت سازی»



قـــــوم من! ای توده والا نژاد — وی نیاکان غیورت مرد و راد

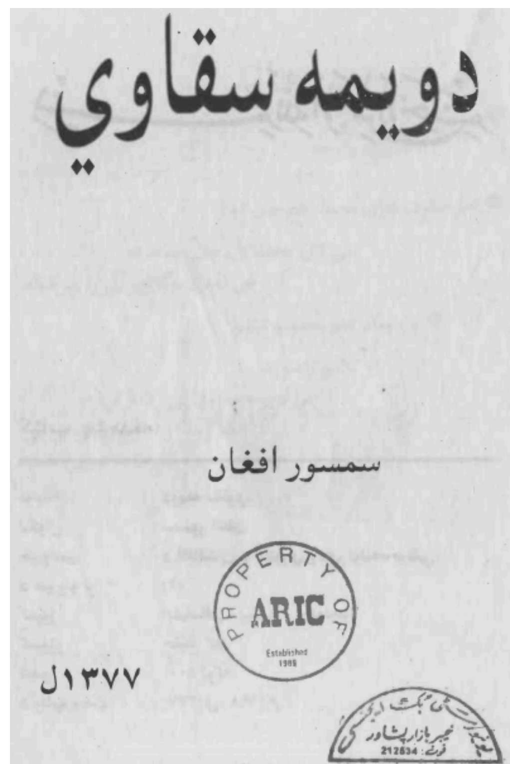
با تـــــو دارم گفتگوی محرمی — تا ز اسرار حیات آگـــــاه شوی

بشنو ای پشتون با صدق و صفا — حافـــــــــظ کهسار و قلب آسیا

گر بزرگی خـــواهی و آزادگی — یا چـــو اسلاف غیورت زندگی

اولاً پشـــــــتو لسانت زنده ساز — هم برین شالوده کاخت بر فراز

تا توانی تکیه بر شمــــــشیر کن — قصـــــر ملت را برآن تعمیر کن



سقاوی دوم: برنامه عمل «رهبران و نخبگان پشتون» که مصاب به مرض «برتری خواهی قومی - زبانی» اند...

* دشمنی با پاکستان به خاطر به رسمیت نشناختن پاکستان، جنجال مرز دیورند، ادعای ارضی بر نیم پخاک پاکستان و رویای ایجاد «لوی افغانستان» در همین دوره به اوج خود می رسد (**سازی شدن مرض!**)؛

* این وضع در دوره داود (۱۹۷۳-۱۹۷۸) ادامه می یابد...

* با کودتای ثور و به قدرت رسیدن تره کی - امین (۱۹۷۸) روح امیر عبدالرحمن زنده می شود... اما اشغال کشور توسط شوروی (دوره کارمل - نجیب) و گسترش مقاومت مردمی باعث تغییر اوضاع سراسری، کشتار صد ها هزار و مهاجرت ملیون ها نفر می شود...

* زخم های ناسور برتری خواهی قومی - زبانی که تخم آن مدتها قبل کاشته شده بود، باعث تجزیه حزب دموکراتیک در خط قومی - زبانی و سقوط دولت نجیب می شود؛ یعنی حتی اندیشه «انترناسیونالیزم پرولتری» نمی تواند از تضاد های برتری خواهی قومی - زبانی جلوگیری کند...

* اندیشه «اخوت اسلامی» نیز با به قدرت رسیدن مجاهدن (۱۹۹۲) در برابر تضاد های قومی - زبانی مقاومت نتوانسته، باعث تجزیه احزاب مجاهدین و رویایی مسعود - حکمتیار در خطوط قومی - زبانی شده و جنگ در شهر کابل باعث کشتار و فرار دوباره صد ها هزار خانواده و ویرانی کامل شهر کابل می شود...

* پیروزی طالبان در شهر کابل (۱۹۹۶) که خاستگاه قومی - زبانی افغانی (پشتونی) داشتند باعث گسترش نسل کشی اقوام غیرپشتون و مقاومت دوباره مردم تحت رهبری مسعود می گردد...

* با شهادت مسعود، سقوط برج های نیویارک، حمله امریکا بر کشور و سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ صفحه نوینی در تاریخ کشور گشوده می شود که موضوع اصلی کنفرانس یا گفتمان ماست...



SOAS
University of London

وضع موجود در کشور (۲۰۰۱ - ۲۰۱۷)

(تشدید مرض)

SOAS University of London

دوره حامد کرزی (۲۰۰۱ - ۲۰۱۴)

* با سقوط طالبان و موجودیت جامعه جهانی در کشور، امید ها و آرزو های فراوانی وجود داشت که به زخم های ناسور یکصد ساله، تضاد های قبلی و «**برتری خواهی قومی - زبانی که مادر تمام بدبختی های کشور است**»، نقطه پایانی گذاشته شود...

* اما اجلاس رهبران مجاهدین (**به ریاست قانونی**) و تکنوکرات های غربی (**به رهبری خلیل زاد**) با میزبانی جامعه جهانی در بن ۲۰۰۱ بر سر انتخاب رهبر دولت موقت به عوض اینکه بر معیار های نسبتا دموکراتیک (شایستگی و حقوق شهروندی) گذاشته شود، باز هم بر معیارهای قومی - زبانی گذاشته می شود: ۲ رای کرزی «پشتون» بر ۱۱ رای سیرت «غیرپشتون» غالب می شود (**ادامه مرض!**):

خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

* تیم کرزی - خلیل زاد در حالیکه از پشتوانه مالی و نظامی امریکا برخور دار بودند و ملیارد ها دالر در کشور سرازیر گردید، به عوض اینکه بنیاد یک نظام دموکراتیک را بگذارند و به زیرساخت های اقتصادی - سیاسی توجه کنند، یک نظام شدیدا متمرکز ریاستی را به بهانه ایجاد یک حکومت قوی مرکزی و ایجاد وحدت ملی با هزاران حیله و نیرنگ و تهدید و تطمیع سران مجاهدین در قانون اساسی تحمیل کرده و همان پروسه های برتری خواهی قومی - زبانی، افغان سازی، پشتو سازی و حتی مصطلحات ملی را شامل قانون اساسی نمودند...

* تیم کرزی - خلیل زاد با استفاده از منابع سرشار و در پناه حمایت غربی ها، نیرو های اتحاد شمال را جنگ سالار و خطرناک تر از طالبان دانستند. در عوض، طالبان را افغانان اصیل و برادران ناراضی نامیده و به عوض سرکوب، آنها را از زندان ها رها نموده و به احیا و تقویه ایشان پرداختند...

SOAS
University of London

* این تیم، نه تنها بهترین فرماندهان ضد طالبان و حتی استاد ربانی را ترور نموده، فهیم را مسموم ساخته و جنگ را به شمال کشور گسترش دادند؛ بلکه با دادن پول و چوکی یکتعداد غیرپشتون های معامله گر، مزدور و بی خاصیت را در خدمت خود قرار داده و آنرا علامه «مشارکت قومی» و موجودیت «وحدت ملی» در کشور اعلان کردند...

* تیم کرزی بصورت علنی از بمباران طالبان و حملات شبانه امریکایی ها بر ضد آنها به بهانه تلفات ملکی جلوگیری نموده و اندیشه های اکثریت بودن پشتون ها، مهاجر بودن غیرپشتون ها، عدم شناخت مرز دیورند و ایجاد لوی افغانستان را از طریق یون ها، طاقت ها و تلویزیون های ایشان پخش و گسترش دادند...

* تیم کرزی با ایجاد مکاتب خیالی، سربازان خیالی و بهانه های پروژه سازی و باز سازی، ملیون ها دالر را به خانواده های خود انتقال داده و کشور را (برعلاوه گسترش فساد، فقر، بیکاری، قانون شکنی، بی عدالتی و فرار جوانان) در صدر جدول کشور های فاسد و تولید مواد مخدر جهان قرار دادند...

* تیم کرزی در انتخابات ۲۰۱۴ بزرگترین جنایت تاریخی را مرتکب شده و غنی احمدزی را با رای گوسفندان در مقام رویا رویی با برنده اصلی انتخابات یعنی عبدالله قرار دادند. این موضوع با میانجیگری جان کیری و عقب نشینی عبدالله، منجر به تشکیل «**حکومت وحدت ملی**» گردید...

دوره غنی احمدزی (۲۰۱۴ - ۲۰۱۷)

* واشنگتن تایمز (۱۰ می ۲۰۱۷): حکومت دست نشانده ما فاسد، بی کفایت، قبیلوی، فرقه گرا، مستبد و منفور است!

* غنی ادامه کرزی یا «**پدر تقلب**» بوده و تمام قدرت دولتی را در داخل ارگ انحصار کرده است (**تشدید مرض**)!

* عبدالله را به یک مهره بی صلاحیت و بی کاره تبدیل نموده است؛

* هیچ یک از توافقات حکومت وحدت ملی را عملی نکرده است (لویه جرگه، تذکره الکترونیک، اصلاحات انتخاباتی وغیره)؛

* برنامه های قبلی خود در مورد «تعادل در بمباران ها و زندان ها» را عملی نموده و گام های بزرگی در جهت «**غلزی- سازی قدرت**» و حذف اقوام و قبایل دیگر رویدست گرفته است (آوردن حکمتیار، کنار زدن دوستم، برکناری احمد ضیا، استعفای امرالله صالح و...)؛

* ادامه کار غیرقانونی پارلمان، قوه قضاییه، گسترش جنگ به شمال، سقوط کندز، حمله به شفاخانه ها، قرار گاه های نظامی، انفجارات و انتحارات پیهم، کشتار بیرحمانه جوانان جنبش روشنایی، شلیک بر جنبش رستاخیز تغییر؛ گسترش فقر، فساد، بیکاری، قانون شکنی و مواد مخدر نشانه های آن است که «**تشدید مرض**»، این نظام را در «**سراشیبی سقوط یا فروپاشی حتمی**» قرار داده است...

مشکلات اساسی

(تشخیص مرض)

SOAS
University of London

علایم مرض «رهبران و نخبگان پشتون»

* **برتری خواهی قومی - زبانی:** که باعث افغان- سازی، غلزی- سازی، پشتو- سازی، حذف سایرین و تنش های شدید قومی- زبانی شده است؛

برتری خواهی قومی-زبانی

* **عدم شناخت مرز دیورند:** که باعث ادعای ارضی بر خاک پاکستان و مداخله پاکستان به خاطر «جلوگیری از ایجاد یک حکومت قوی مرکزی در کابل» شده است؛

* **مظلوم نمایی:** مبنی براینکه باشندگان اصلی کشوراند، اکثریت اند، محور موجودیت و ثبات کشوراند؛ اما مناطق شان انکشاف نکرده، مردم شان بی سواد مانده، زبان و فرهنگ شان عقب مانده، اقوام شان تقسیم شده و کشور مستقل ندارند... برعلاوه، زبان و فرهنگ پارسی (ایرانی) که مربوط اقوام اقلیت و مهاجر است، بالای شان تحمیل شده است!

* **تیوری توطیه:** مسئولیت ناپذیری و ملامت سازی خارجی ها در تمام عرصه ها...

* **تمرکز خواهی قدرت:** که باعث ایجاد «نظام متمرکز در قانون اساسی» و انحصار قدرت و یکه تازی شده است؛

* **مخالفت با تغییر نظام یا توزیع قدرت:** که به بهانه ایجاد «وحدت ملی» بر یک حکومت «قوی مرکزی» (امیرعبدالرحمن) برای برآورده سازی اهداف قومی- زبانی خویش اصرار می کنند... با ترس اینکه در یک نظام دموکراتیک، همه ادعا های دروغین ایشان افشا شده و در یک انتخابات عادلانه می بازند!

ساختار نظام (تمرکز قدرت)

راه های حـــــــل

(درمان مرض)

نظام های سیاسی از نگاه «ماهیت» دو گونه اند:

*** دموکراتیک:**

* توزیع قدرت،

* قوانین عادلانه،

* رهبران انتخابی و پاسخگو؛

* حاکمیت قانون؛

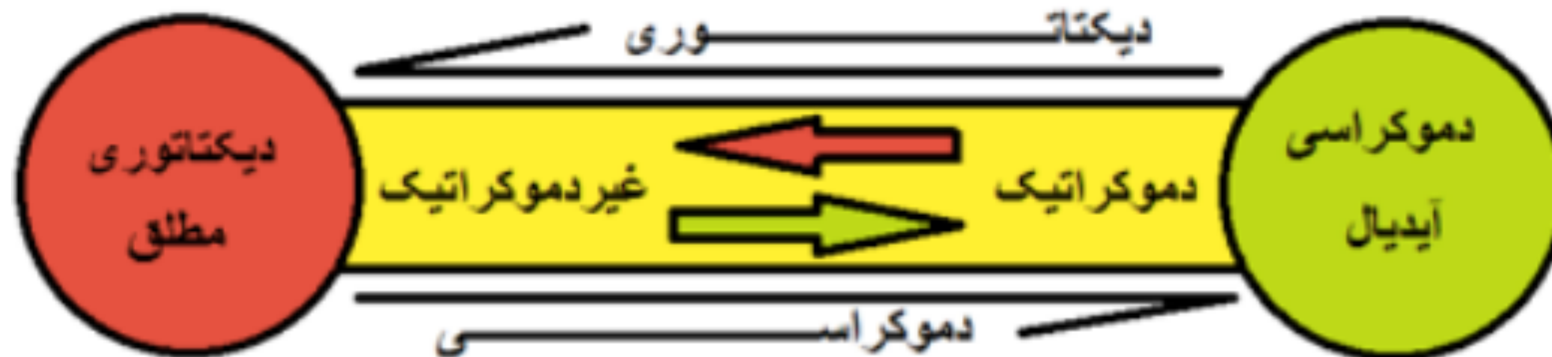
*** دیکتاتوری:**

* تمرکز قدرت،

* قوانین غیرعادلانه،

* رهبران غصبی/نصبی/ارثی؛

* حاکمیت فرد - خانواده؛



People:
1. Follow the System;
2. Follow the Leaders.



* واژه های مترادف «دی سنترال»، «فدرال»، «غیرمتمرکز» و یا «توزیع قدرت» در مقابل واژه های مترادف «سنترال»، «ریاستی»، «متمرکز» یا «تمرکز قدرت» مطرح شده و نشان دهنده «ساختار دولت» اند! اما واژه های «صدارتی» و «پارلمانی» نشان دهنده «نوع حکومت» اند؛

* دهها کشور دارای ساختار فدرال یا دی سنترال، غیرمتمرکز یا «توزیع قدرت» وجود دارد که دموکراتیک نیستند؛ اما این ساختارها یکی از شرایط عمده و حتمی دموکراتیک بودن نظام هاست؛

* در نظام های سنترال، ریاستی، متمرکز و یا هر نظامی که در آن «تمرکز قدرت» موجود باشد، به هیچ وجه نمی توان از دموکراتیک بودن آن نظام ها صحبت کرد؛ زیرا این اصل پذیرفته شده است که:

قدرت فساد آفرین است و «تمرکز قدرت» باعث «فساد مطلق» می شود...

System:
1. Mechanism/structure;
2. Principles/procedures.

«طرح بدیل» برای درمان مرض یا جلوگیری از فروپاشی نظام

* **تعین «کمیته اصلاح قانون اساسی»** (برای تغییر ساختار نظام و مناسبات آن به خاطر جلوگیری از یکه تازی و انحصار قدرت):

* **ساختار غیرمتمرکز یا توزیع قدرت** به صورت افقی (مرکز و محلات) و عمودی (رئیس جمهور و صدراعظم و سه قوه)؛

* رئیس **جمهور انتسابی (نوبتی - قومی)، صدراعظم انتخابی (پارلمانی - حزبی) و دادگاه مستقل** (شورای ملی)؛

* **تغییر ساختار اداری کشور** به حدود ۱۰ ایالت، انتخابی سازی والیان و فرماندهان پولیس (شورای ایالتی)؛

* **تطبیق اصل خود- گردانی و محلی- سازی دفاع** کشور (در کنار ارتش ملی)؛

* **لغو هر نوع امتیاز و برتری قومی- زبانی- مذهبی** و ایجاد جامعه «**شهروند- محور**» (نه قوم- محور)؛

* **عادی سازی مناسبات با پاکستان** از طریق شناسایی مرز دیورند و قطع منبع جنگ (خاک پاکستان)؛

* **فراهم آوری شرایط** برای برگزاری «**انتخابات**» توسط کمیته های انتخاباتی مستقل و بی طرف با نظارت جامعه جهانی:

* **توزیع تذکره الکترونیکی** (سرشماری نفوس)،

* **تعین حوزه های انتخاباتی**،

* **فهرست رای دهندگان**؛



گزینه های درمان

* **گزینه اول: فشار** برای تحقق «**توافقنامه حکومت وحدت ملی**» که یک «**انتظار کشنده و غیرعملی**» بوده است!

* **گزینه دوم: فشار** برای ایجاد «**کمیته اصلاح قانون اساسی**» و تصویب آن توسط یک شورا یا لویه جرگه اضطراری (نه انتظار برای «لویه جرگه قانون اساسی یا گذشتن از پل صراط»)!

مشکل این دو گزینه: چون اکثریت مقام ها در ادارات و کمیته های موجود از طرف تیم غنی تعین گردیده است؛ لذا هر اقدامی (توزیع تذکره، حوزه های انتخاباتی، فهرست رای دهندگان و...) در زیر حاکمیت تیم غنی - اتمر - حکمتیار کاملا **نمایشی** بوده و نتیجه آن معلوم است: «**تشدید بحران و فروپاشی نظام**»...

گزینه نسبتا مطمین تر در مقایسه با دو گزینه بالا:

----

* **گزینه سوم: فشار** برای ایجاد یک «**حکومت موقت**» از نخبگان و بزرگان کشور برای یک یا دو سال و اجرای گام به گام «طرح بدیل» به کمک جامعه جهانی (این گزینه در بد ترین حالت، از ریشه گیری «**غلزی- سازی قدرت**» جلوگیری می کند)!

مرضی که درمان نشود، نتیجه اش مرگ است...

پیـــــــــروز باشـــــــــید

سرچشمه ها

۱. لعل زاد. متن کنفرانس «چگونگی ایجاد کشوری بنام افغان ستان». ۲۰۰۸

http://www.khorasanzameen.net/archive/history/alalzad04.pdf

جریان کنفرانس در یوتیوب:

https://www.youtube.com/watch?v=kMSyeEYCMws

۲. لعل زاد. معیار های دموکراتیک بودن نظام های سیاسی. ۲۰۱۶

http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad21.pdf

۳. لعل زاد. متن گفتگو با ویلیام موریس گرداننده شبکه بین المللی ای ان ان. ۲۰۱۷

http://www.goftaman.com/images/pdf-files-part1/lalzad-04-06-2017.pdf

متن گفتگو در یوتیوب:

https://www.youtube.com/watch?v=5d56mGbknJg

SOAS
University of London